

# نقش آب و هوا در شکل دادن به مسکن روستایی



وبالآخره ساختن خانه‌های دائمی به شکل‌های متنوع، همگی نشان از تکاپوی بشر برای داشتن سرپناه دارند.

با نگاهی به سکونتگاه‌های بشری، مخصوصاً خانه‌های روستایی، شاهد تفاوت‌های آشکاری در آن‌ها هستیم. در بعضی روستاها، خانه‌ها دارای سقف‌های مدور و کروی هستند. در بعضی دیگر، سقف خانه‌ها مسطح هستند و در بعضی نیز سقف‌های دارای زاویه‌ی تند و شیب فراوان، شکل غالب دارند. در بعضی روستاها، در ساختمان‌ها شاهد دیوارهای ضخیم هستیم و در بعضی دیگر، دیوارها بسیار نازک‌تر هستند. در بعضی از آن‌ها پنجره‌ها کوچک هستند و در بعضی دیگر، پنجره‌های بزرگ از پدیده‌های عادی به حساب می‌آید. در بعضی روستاها، از سنگ ساخته شده‌اند و بعضی دیگر، از چوب یا کاهگل و خشت.

علاوه بر شکل خانه‌ها، فرم کلی روستاها نیز در مقایسه با هم تفاوت‌های بسیاری را نشان می‌دهد. مثلاً در بعضی روستاها، خانه‌ها به هم چسبیده و فشرده‌اند و در بعضی دیگر بسیار پراکنده‌اند و تشخیص محدوده‌ی هر روستا به سختی امکانپذیر است. بعضی روستاها به صورت کشیده و طولیل ظاهر شده‌اند و بعضی دیگر به شکل دایره و در بعضی دیگر، خانه‌ها به صورت پلکانی روی هم قرار گرفته‌اند.

در کشور ما نیز شواهدی از انطباق سکونتگاه‌های انسان با اقلیم وجود دارد. «آرایی‌ها» که به ایران آمدند، چون از مکانی سرد به ایران آمده بودند، بنا به روش دیرین خود زمین را کندند و در جای کنده شده زندگی می‌کردند. در جاهای نمناک که کندن زمین و زیستن در آن دشوار بود، و نیز برای ایمن بودن از یورش دشمنان، روی تپه‌ها سکنا گزیدند. مصالح مورد استفاده برای ساختمان‌سازی ایشان نیز مطابق شرایط اقلیمی مناطق مختلف تعیین می‌شد [رفیع‌زاده، ۱۳۷۵].

اولین مطالعات در مورد روستاها و موقعیت آن‌ها، به بطلمیوس (حدود ۱۰۰ تا ۱۷۰ م) بر می‌گردد که موقعیت هشت هزار نقطه‌ی مسکونی را شناسایی کرد. پس از او در این زمینه، جغرافیدانان مسلمان، از جمله ابن حوقل، یاقوت حموی و اصطخری نیز اطلاعات فراوانی به دست داده‌اند.

در سده‌های ۱۷ و ۱۸، گسترش دامنه‌ی سفرهای اروپاییان به نقاط گوناگون جهان و انتشار سفرنامه‌ها، به عنوان منبعی قابل مراجعه برای آگاهی از سکونتگاه‌های کوچک و بزرگ جهان به ویژه آسیا، باعث توجه به سکونتگاه‌های روستایی شد. در همین دوره، ویدال دولا بلاش (۱۸۴۵ تا ۱۹۱۸) به سکونتگاه‌ها و نقاط روستایی توجه ویژه‌ای کرد.

## چکیده

مسکن به عنوان یکی از اولین نیازهای انسان تلقی می‌شود و در جوامع روستایی، علاوه بر کارکردهای مسکن شهری، نقش اقتصادی مهمی نیز بازی می‌کند. در جوامع روستایی متفاوت، شاهد تنوع شکل و فرم مسکن‌ها هستیم. این امر به دلیل‌های گوناگونی صورت می‌گیرد که از جمله می‌توان به دلیل‌های طبیعی، فرهنگی، تاریخی، سیاسی و غیره اشاره کرد. از میان عوامل طبیعی، آب و هوا به عنوان عاملی مؤثر، شکل مسکن روستایی را تحت تاثیر خویش قرار می‌دهد. این تحقیق کوشیده است، تنوع مسکن‌های روستایی را در اقلیم‌های متفاوت در قلمرو جغرافیایی کشور ایران مورد بررسی قرار دهد و نقش اقلیم هر محل را در تنوع شکل و معماری خانه‌های روستایی و بافت روستاها شناسایی کند.

روش مطالعه در این تحقیق به صورت کتابخانه‌ای و بر مبنای مشاهدات صورت گرفته در روستاهای نقاط گوناگون کشور بوده و سعی شده است، از آثار دیگران و تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته‌اند، حداکثر بهره‌برداری به عمل آید.

## اشاره

مسکن یکی از ابتدایی‌ترین نیازهای بشری و عامل غلبه بر شرایط سخت محیطی، تأمین امنیت، تعلق خاطر (مالکیت)، جدایی‌گزینی فردی، انجام بعضی فعالیت‌های اقتصادی، استراحت و آسایش اعصاب و روان است. این امر از دیرباز بشر را مجبور کرده است که به انحاء مختلف این نیاز خویش را برآورده سازد. استفاده از مسکن طبیعی مثل غارها و شکاف سنگ‌ها، ایجاد سرپناه‌های ابتدایی از شاخه و برگ درختان، ساختن سکونتگاه‌های سبک و کوچک مثل سیاه چادر،



آلبرد و مانژن (۱۸۷۲ تا ۱۹۴۰) نیز به بررسی شکل‌های متفاوت سکونتگاه‌ها و رده‌بندی و توصیف آن‌ها بر مبنای ویژگی‌های طبیعی بهره‌برداری از زمین، و نیز خصوصیات اجتماعی آن‌ها پرداخت. بدینسان در سده‌ی بیستم - به ویژه پس از جنگ جهانی دوم - مطالعات روستایی در زمینه‌ی علوم گوناگون و از جمله جغرافیای روستایی توسعه یافت [سعیدی، ۱۳۷۷].

علت این همه تنوع و تفاوت در مسکن‌های روستایی چیست؟ نقش عوامل اقلیمی در این حیطه تا چه حدی قابل ذکر است؟ هر یک از عناصر اقلیمی به صورت جداگانه تا چه حد در این امر مؤثرند؟ ما در نوشتار حاضر برآنیم که به این سؤالات و سؤالاتی پاسخ بگوییم و به نتایجی در این مورد نائل شویم.

### نقش آب و هوا

شکل‌خانه‌های روستایی از عوامل متفاوتی تبعیت می‌کند که از جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: عوامل طبیعی، عوامل اقتصادی، عوامل فرهنگی، عوامل سیاسی، عوامل امنیتی و نظامی، عوامل تاریخی و عوامل اجتماعی. از بین این عوامل، عوامل طبیعی از اولین و ابتدایی‌ترین عوامل شکل‌دهی به مسکن هستند؛ چرا که این عوامل تقریباً در مکان ثابت هستند و در برخورد اولیه با هر مکان، به صورت واضح و روشن خود را نمایان می‌سازند. البته تأثیر این عوامل نیز در طول زمان و در مکان‌های گوناگون، شدت و ضعف داشته است.

عوامل طبیعی مؤثر در شکل مسکن روستایی نیز تعددند و از جمله‌ی این عوامل می‌توان به مواردی چون: پستی و بلندی (توپوگرافی)، اقلیم (آب و هوا)، دسترسی به منابع آب، جنس خاک و پوشش گیاهی و جنگلی اشاره کرد و در میان عوامل طبیعی، نقش آب و هوای هر محل بسیار حائز اهمیت است. در بیش‌تر موارد، اقلیم هر محل مبین شکل غالب اشتغال و معاش روستاها، و نیز تحرک یا یکجانشینی افراد است که این امر خود در شکل روستاها، بسیار تأثیر دارد.

اگر چه امروزه، بیش‌تر به مدد پیشرفت‌های تکنیکی و کشف انواع ابزار، تا حدودی از نقش تعیین‌کننده‌ی عوامل اقلیمی کاسته شده است و همین امر نیز به میزان فراوان به یکنواختی مسکن‌ها و چشم‌اندازهای روستایی کمک کرده است، اما باید پذیرفت که: اولاً؛ این امر، یعنی دخالت بشر، محدود است و از یک حد خاصی فراتر نمی‌رود، و ثانیاً، همین حد از دخالت انسان نیز با صرف انرژی و هزینه، و پیدایش مسائل زیست‌محیطی بسیار همراه است. این دو عامل لزوم توجه به روش‌های سکونت‌گزینی را توجیه می‌کند؛ روش‌هایی برای سکونت روستاییان که با محیط طبیعی و مخصوصاً آب و هوا پیوند بسیار نزدیکی داشته باشند. آب و هوا به عنوان یکی از اجزای مهم محیط طبیعی، از دیرباز نقش مهمی در زندگی بشر ایفا کرده است و عاملی سازمان‌دهنده در فعالیت‌های انسانی محسوب می‌شود. همین عامل طبیعی در گذشته، انسان‌های نواحی گوناگون را به فعالیت‌های خاصی سوق می‌داده و حتی در آداب و رسوم، تعاملات فرهنگی، و فعالیت‌های سیاسی

جوامع تأثیرگذار بوده است؛ تا جایی که اندیشمندان با مشاهده‌ی این تأثیر و نیز برای رسیدن به هدف‌های سیاسی - استعماری خاص خویش و به عنوان قسمتی از مکتب فکری جبر محیطی، مسأله‌ی جبر آب و هوایی را مطرح کردند که از مهم‌ترین این افراد می‌توان منتسکیو، راتزل و هانتینگتون را نام برد. زایش این تفکر جدید بیش از هر چیز، بیانگر تأثیرات محیط طبیعی آب و هوا در زندگی بشر بوده است. هر چند امروزه این مکتب فکری در حیطه‌ی علم جغرافیا طرفداران زیادی ندارد و جای آن را مکتب‌های انسان‌گرا گرفته‌اند، اما لازم به ذکر است که قدرت فناوری‌های انسان نیز تا مرحله‌ی خاصی توانایی مقابله با شرایط طبیعی را دارد (علیت محیطی). و نیز، فناوری‌های به کار برده شده در شکل‌خانه‌ها و نوع مصالح نیز بر حسب آب و هوا تغییر می‌کند.

در یک تقسیم‌بندی بر مبنای نوع اقلیم مؤثر در شکل روستاهای کشور، می‌توان موارد زیر را بیان کرد که آب و هوا، نوع خاصی از مسکن‌ها، و معماری مخصوص را ایجاد کرده است. در این تقسیم‌بندی، هم طبقات اقلیمی و هم مناطق اقلیمی مورد توجه هستند:

۱. اقلیم کوهستانی
۲. اقلیم گرم و خشک
۳. اقلیم گرم و مرطوب
۴. اقلیم سرد و خشک
۵. اقلیم معتدل و بارانی.

با اندکی دقت در هر یک از مناطق آب و هوایی فوق درمی‌یابیم، مصالح ساختمانی در هر یک از مناطق اقلیمی بیش‌تر بومی و کم دوامند و خود این مصالح نیز تابعی از شرایط آب و هوایی محل هستند؛ مثلاً استفاده از چوب در نواحی جنگلی برای خانه‌سازی و غیره.

### نوع مسکن روستایی در آب و هوای متفاوت اقلیم کوهستانی

شاید اولین بار استفاده از مکانی به عنوان سکونتگاه، در نواحی کوهستانی و در برخورد با غارها شکل گرفت. کوهستان‌ها به دلیل شرایطی که فراهم می‌کنند، حداقل در نیمی از سال پذیرای عشایر بوده و هستند؛ ساکنانی که خانه‌هایشان را اکثراً سیاه‌چادر و یا مواردی مشابه تشکیل می‌دهند، که به آسانی قابل حمل و نصب باشند.

ساکنان نواحی کوهستانی، به شرایط کلی آب و هوای محل و با توجه به رطوبت و درجه‌ی حرارت آن، به داخل کوه نفوذ کرده و یا این‌که در کوهپایه‌ها ساکن شده‌اند. [نظری، ۱۳۷۷]. در کشور ما نیز شاهد غلبه‌ی روستاهای کوهپایه‌ای هستیم که بر مخروط‌افکنه‌ها، دشت‌ها و جلگه‌ها بنا شده‌اند؛ جایی که هم از سرما و خشونت آب و هوای کوهستان در امان باشند و هم از گرما و یا خشکی دشت‌ها. فرم کلی روستاهای این بخش به علت شیب زمین، محدودیت خاک، محصور شدن به وسیله‌ی درختان جنگلی، عوامل امنیتی و غیره فشرده است و در بعضی موارد، به صورت کشیده در امتداد دره‌ها نمایان می‌شود [آلباگونولو، ۱۳۶۵]. در کوهستان‌های مرتفع، فشرده بودن



مسکن‌ها به علت کم‌تر شدن سطح تماس با محیط و جلوگیری از نفوذ سرما به داخل مسکن‌هاست. البته در اقلیم کوهستانی، مخصوصاً در دامنه‌ها، به منظور استفاده‌ی مناسب از نور خورشید، در امان ماندن از ریزش کوه و حرکات دامنه‌ای، و محدودیت زمین، شاهد چشم‌اندازهایی از روستاهای پلکانی هستیم که مثال جالب این پدیده، روستای «ماسوله» در البرز و روستای «هچج» در زاگرس (در شهرستان پاوه در کرمانشاه) است. در این روستاها، خانه‌های روستایی علاوه بر فشردگی، به صورت طبقه‌ای بنا شده و پشت بام هر خانه، حیاط خانه‌ی دیگری است.

در اقلیم‌های کوهستانی، مصالح به کار گرفته شده در ساختمان‌ها، بیش‌تر از محیط اطراف اخذ شده‌اند و آب و هوا نیز در کنار عوامل اقتصادی، فرهنگی و... نقش اساسی را در معماری مسکن در این روستاها دارد. در این مناطق، ساختمان‌ها بیش‌تر از سنگ بنا شده‌اند که در بعضی قسمت‌ها، دیوارهای خشکه چین با سنگ، هم‌اکنون نیز معمول است [رفعی‌زاده، ۱۳۷۵]. «در مناطق کوهستانی، جایی که جنگل وجود داشته است، از چوب درختان جنگلی در ساختمان‌سازی استفاده شده است.» [پاپلی‌یزدی و وثوقی، ۱۳۷۰].

در اقلیم گرم و خشک، مهم‌ترین عامل مؤثر در شکل‌گیری، استقرار و اسکان روستاییان در این اقلیم، عامل آب است. در این نواحی، کیلومترها زمین عاری از سکونتگاه ملاحظه می‌شود و هر کجا که آب در سطح زمین ظاهر شود، (هر چند به صورت جزئی) شاهد شکل‌گیری روستاها هستیم. پس روستاهای این ناحیه‌ی آب و هوایی با فاصله از همدیگر قرار گرفته‌اند، اما مسکن‌هایشان در کنار منابع آب، فشرده و به هم چسبیده است و با نگاهی به روستاهای این نواحی، شاهد پیوستگی خانه‌ها هستیم.

### اقلیم گرم و مرطوب

در این اقلیم، مهم‌ترین شکل ساکنان، رطوبت و گرمی هواست. همین عامل نیز باعث شده که شکل روستاها و مسکن‌های آن‌ها با روستاهای نواحی گرم و خشک تفاوت‌هایی داشته باشد. از جمله این که «مجموعه‌های مسکونی در این اقلیم به منظور امکان جریان هوا در درون مجموعه، برای از بین بردن شرایط ناراحت‌کننده، گرما و رطوبت، ترکیبی باز دارند» [زاهدی، ۱۳۶۹] یعنی با وجودی که شاهد روستاهای مجتمع هستیم، اما خانه‌های آن‌ها فشردگی چندانی ندارند و همین امر

در اقلیم‌های کوهستانی، مصالح به کار گرفته شده در ساختمان‌ها، بیش‌تر از محیط اطراف اخذ شده‌اند و آب و هوا نیز در کنار عوامل اقتصادی، فرهنگی و... نقش اساسی را در معماری مسکن در این روستاها دارد. در این مناطق، ساختمان‌ها بیش‌تر از سنگ بنا شده‌اند که در بعضی قسمت‌ها، دیوارهای خشکه چین با سنگ، هم‌اکنون نیز معمول است [رفعی‌زاده، ۱۳۷۵]. «در مناطق کوهستانی، جایی که جنگل وجود داشته است، از چوب درختان جنگلی در ساختمان‌سازی استفاده شده است.» [پاپلی‌یزدی و وثوقی، ۱۳۷۰].

### اقلیم گرم و خشک

مهم‌ترین عامل مؤثر در شکل‌گیری، استقرار و اسکان روستاییان در این اقلیم، عامل آب است. در این نواحی، کیلومترها زمین عاری از سکونتگاه ملاحظه می‌شود و هر کجا که آب در سطح زمین ظاهر شود، (هر چند به صورت جزئی) شاهد شکل‌گیری روستاها هستیم. پس روستاهای این ناحیه‌ی آب و هوایی با فاصله از همدیگر قرار گرفته‌اند، اما مسکن‌هایشان در کنار منابع آب، فشرده و به هم چسبیده است و با نگاهی به روستاهای این نواحی، شاهد پیوستگی خانه‌ها هستیم.

در اقلیم گرم و خشک، پناه‌گیری از گرمای طاقت‌فرسا و تابش مستقیم آفتاب امری اساسی است و در راه برآوردن این نیاز راه‌حل‌های متفاوتی اعمال می‌شود [آلباگونولو، ۱۳۶۵]. چون در این آب و هوا معمولاً شاهد آسمانی صاف و با حداکثر دریافت نور خورشید هستیم، برای جلوگیری از تابش زیاد نور خورشید به داخل خانه‌ها و گرمای زیاد در طول روز، از پنجره‌های کوچک استفاده می‌شود. دیوارهای

خانه‌های روستایی در این ناحیه به منظور ایفای نقش عایق حرارتی در مقابل گرمای روز و سرمای شب (در این نواحی به علت پائین بودن ظرفیت حرارتی، شن‌ها خیلی زود گرم می‌شوند و خیلی زود نیز گرمای خود را در جو شفاف از دست می‌دهند)، ضخیم هستند. ضخامت این ساختمان‌ها تا ۷۰ سانتی‌متر و پوشش سقف‌ها تا ۳۰ یا ۴۰ سانتی‌متر می‌رسد [زرگر، ۱۳۷۸]. سقف خانه‌ها نیز در این نواحی اقلیمی از سایر

شکل ۱. نمونه‌ای از مسکن‌های نواحی گرم و خشک







شکل ۲. نمونه‌ای از مسکن نواحی سرد

کاهش پیدا می‌کند، جمعیت‌پذیری بالایی وجود دارد؛ به طوری که شمال کشورمان با وجود ۳ درصد وسعت اراضی کشور، حدود ۲۷ درصد جمعیت ایران را در خود جای داده است. در این مناطق می‌توان شاهد روستاهای پراکنده بود؛ روستاهایی که به علت شرایط مساعد اقلیمی و محیطی، خانه‌هایشان در مزرعه‌ها بنا شده‌اند. به همین دلیل، روستاهای این مناطق به آسانی از همدیگر قابل تمیز و جداسازی نیستند و سعی شده است که از زمین حداکثر بهره‌برداری به عمل آید.

شکل مسکن در این منطقه‌ی آب و هوایی نیز بیش‌تر متأثر از عنصر بارندگی و مبارزه با پدیده‌های ناشی از آن است؛ از قبیل: فرسایش و ایجاد رطوبت، دفع آب از پوشش فوقانی و ممانعت از نفوذ آن به داخل بنا، علاوه بر این موارد، جهت باد نیز در شکل ساختمان‌ها مؤثر است [آپاگونولو، ۱۳۶۵]. به‌طور کلی، مصالح اولیه‌ی مسکن‌های این مناطق از جنگل‌های انبوه اطراف تهیه می‌شود که دلیل این امر نیز علاوه بر فراوانی چوب در محل و سهولت تهیه‌ی آن، مقاومت‌تر بودن آن در مقابل باران‌های سنگین ناحیه و عدم فرسایش فرسوده نشدن آن است [مجتهدی، ۱۳۷۰].

در این نوع اقلیم، بناها معمولاً دارای کرسی بلند هستند. تا این امر که برای مقابله با رطوبت زیاد خاک صورت می‌گیرد، به وسیله‌ی تیرها و ستون‌هایی در پی، انجام‌پذیر است. برای مقابله با نفوذ آب نیز سقف این بناها شکل ویژه‌ای دارد. معمولاً سقف این خانه‌ها دارای شیب زیادی است و حتی سقف‌های چهار شیبه نیز رواج دارند. این سقف‌ها بوسیله‌ی ساقه‌ی برنج یا توفال پوشیده شده‌اند که به میزان زیاد در محیط اطراف موجودند و به صورت عایق رطوبتی و حرارتی عمل می‌کنند. امروزه نیز علاوه بر این مصالح، از سقف‌های شیروانی در این مناطق استفاده می‌شود. خانه‌های این مناطق معمولاً دارای یک یا چند ایوان در سمت بیرونی هستند. از دیگر ویژگی‌های مسکن‌های روستایی در این آب و هوا، به کار بردن چوب در پی دیوارها و بام‌ها، و نیز استفاده از گل و سنگ به عنوان مصالح در ساخت خانه‌های گلی است [قنبری، ۱۳۷۴].

#### عشایر

هر چند عشایر و کوچنده‌ها از نظر شکل زندگی و معاش از زندگی

سبب وسعت بخش مسکونی این روستاها شده است. همچنین، برای ایجاد تهویه در ساختمان‌ها و مبارزه با رطوبت و شرجی بودن هوا، از پنجره‌های بزرگ‌تر استفاده می‌شود. در سایر موارد، بین سکونتگاه‌های این اقلیم و اقلیم گرم و خشک شباهت‌هایی ملاحظه می‌شود.

#### اقلیم سرد و خشک

این اقلیم که خاص مناطق اقلیمی عرض‌های بالای جغرافیایی است، در کشور ما با وسعت چندانی ملاحظه نمی‌شود و فقط کوهستان‌های بلند با ارتفاع زیاد دارای چنین اقلیمی هستند. اصلی‌ترین مشکل طبیعی در این

آب و هوا، سرمای هواست که همین عامل نیز در شکل خانه‌های روستایی خود را نمایان ساخته است. به‌طور کلی، در این مناطق سرمای هوا و موارد دیگر باعث شده است که جمعیت‌پذیری در حد پائین باشد و از نظر اسکان، از نواحی سخت به حساب آید. در این آب و هوا، برای جلوگیری از نفوذ سرما، خانه‌ها در مجاورت هم ساخته شده‌اند و شکل روستاها به صورت مجتمع است.

برای مقابله با سرما در این آب و هوا، اقداماتی از این دست انجام می‌شود:

۱. ایجاد زاغه‌های زیرزمینی که نفوذ سرما در آن‌ها کم‌تر است و انسان‌ها از آن‌ها استفاده می‌کنند.
۲. بام‌های تیرپوش یا شیب ملایم به طرفین که آب باران و برف را راحت‌تر عبور می‌دهد.
۳. ساختمان‌های دو طبقه که طبقه‌ی اول آن‌ها مخصوص دام‌هاست.
۴. انبار کردن علوفه‌ی زمستانی بر بام سقف‌ها که به صورت عایق، مانع از هدر رفتن گرمای داخل و نفوذ سرمای خارج می‌شود [زرگر، ۱۳۷۸].

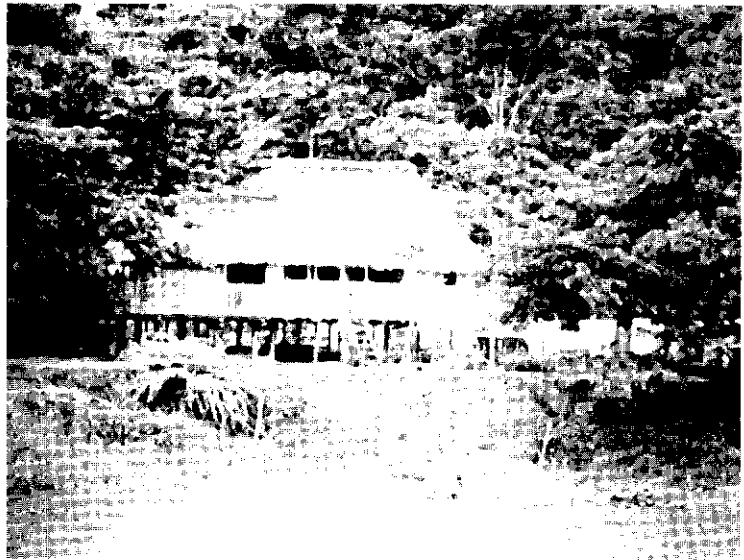
نتیجه این که در مناطق دارای اقلیم سرد و خشک، مبارزه با سرما هدف اصلی است و تأثیر این عامل در شکل مسکن‌های روستایی به خوبی نمایان است. البته برای جلوگیری از نفوذ برف و بوران، در اطراف خانه‌ها بادشکن‌هایی ایجاد می‌شود که از سنگ و یا شاخه و چوب درختان هستند. جنس مصالح نیز از سنگ می‌باشد. در مناطقی که دارای درخت هستند، از چوب نیز استفاده می‌شود. در مناطق اقلیمی بسیار سرد که خاص نواحی قطبی است، از برف و یخ نیز برای ایجاد سکونتگاه استفاده می‌شود.

#### اقلیم معتدل و بارانی

نواحی معتدل و پرباران که در کشور ما، نواحی کوچکی در سواحل دریای خزر را در بر می‌گیرد، شرایط متفاوتی را برای سکونت بشر فراهم آورده است. در این مناطق، به علت اعتدال آب‌هوایی، بارندگی مناسب، مساعد بودن کیفیت خاک و سایر عوامل که از غرب به شرق

عشایر کوچ نشین در ایجاد مسکن خویش کاملاً خودکفا عمل می کنند و آن را از مواد و مصالحی که محیط طبیعی و نوع معیشت در اختیارشان گذاشته است، تهیه می کنند؛ به طوری که مسکن عشایر دامدار زاگرس با مسکن ترکمن های کوچ نشین و یا بلوچ ها تفاوت دارد. مهم ترین ویژگی های این مسکن عبارتند از:

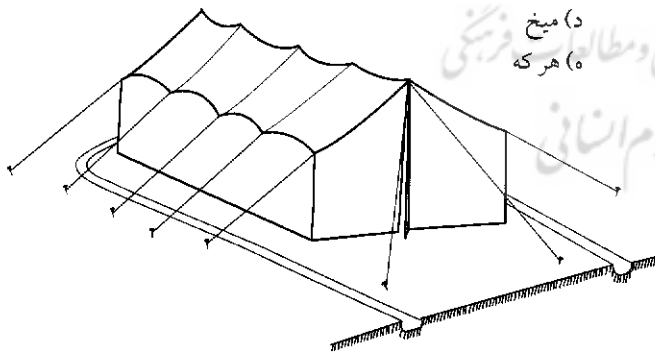
۱. بنا از اجزا و قطعات سبک وزن تهیه شده است.
۲. بنا از مجموعه اجزای جداگانه تهیه شده است که قابل پیاده کردن و سوار کردن مجدد هستند.
۳. به دلیل سبکی وزن و ویژگی قطعات، امکان حمل و نقل آن ها وجود دارد.
۴. پیاده و سوار کردن قطعات نیازی به تخصص ویژه ای ندارد و غالباً ساکنان هر واحد به خوبی از عهده ی نصب یا پائین آوردن و جمع آوری آن ها برمی آیند.



شکل ۳. نمونه ای از مسکن نواحی مرطوب و بارانی

با توجه به ویژگی هایی که برای مسکن عشایر ذکر شد، سه نوع مسکن در میان این افراد رایج است: سیاه چادرها: که مسکن سنتی عشایر است و تقریباً با قبول تفاوت هایی، در میان همه ی عشایر کشور رواج دارد. حتی در بعضی مناطق که مسکن های دائمی ساخته شده اند نیز، از این سیاه چادرها استفاده می کنند. خنکی نسبی آن در قشلاق و نفوذناپذیری نسبی آن در برابر رطوبت، و سایر ویژگی هایی که در بالا ذکر شد، باعث رواج این نوع مسکن شده است. اجزای این مسکن شامل موارد زیر است:

- الف) قطعات پارچه ای چادر که از موی بز تهیه می شود.
- ب) قطعات چوبی چادر که برای برپا کردن چادر به کار می روند.
- ج) بند چادر
- د) میخ
- ه) هرکه



شکل ۴. طرح ساده ی یک سیاه چادر

(و) نی چین  
 آلاچیق: نوعی بنای سبک و قابل انتقال است که بیش تر در میان مردم کوچ نشین و دامدار رواج دارد. در ایران، آلاچیق در میان ایل سون ها (شاهسون ها) در آذربایجان، و همچنین در میان ترکمن ها در ترکمن صحرا، واقع در شمال غرب خراسان و شمال شرقی مازندران دیده می شود و در هر ناحیه نام خاصی دارد [ایترننت]. مثلاً در ترکمن صحرا آن را «اوی» (oy) می گویند. این نوع مسکن از چوب ساخته می شود و در

روستایی جدا هستند، اما چون این گروه منشأ پیدایش روستاهای بسیاری در کشور بوده اند و بعد از اسکان نیز تا حدودی از مسکن های اولیه ی خویش که ریشه در فرهنگ آن ها دارد، استفاده می کنند، و از طرف دیگر، بعضی از روستاهای کشور دارای جمعیت نیمه کوچ نشین هستند که در نیمه ای سال، در مسکن روستایی خویش بهره می گیرند و در نیم دیگر سال، کوچ می کنند و در مسکن های خاصی به سر می برند، بررسی ساختار سکونت گزینی آن ها نیز در این قسمت خالی از لطف نیست.

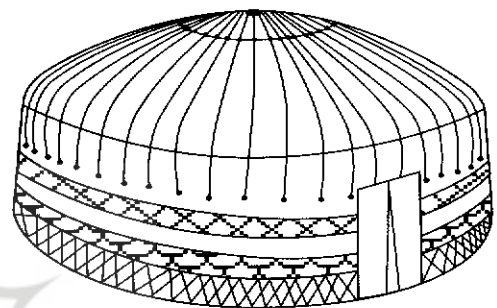
زندگی کوچ نشینی در پیوند بسیار نزدیک با طبیعت قرار دارد و در واقع، نمادی از انطباق انسان با محیط طبیعی است. کوچ نشینان برای به دست آوردن چراگاه و مرتع، و فرار از شرایط آب و هوایی نامناسب، و نیز برای استفاده از بیلاق ها در فصل سرد و قشلاق ها در فصل گرم، و جریان کمبود ریزش های جوی در دشت ها، مجبور به تحمل مشکلات سفر منظم و دائمی خود بین این دو قسمت هستند. البته در طول زمان تعدادی از این افراد در برخورد با مشکلات محیطی مانند خشکسالی ها، سرمای طولانی، و سختی خاص این طریقه ی زندگی، به فکر ایجاد سکونتگاه برای خود و نیز انبار علوفه برای دام هایشان افتادند و کم کم زمینه های زندگی نیمه کوچ نشین، نیمه ساکن و ساکن فراهم شد. «در موقع اسکان نیز، بیش ترین مسکن های ساختمانی مربوط به عشایر، در مناطق گرمسیری ساخته شده اند. چون از نظر اقلیمی و وسعت مکانی، نسبت به موقعیت اقلیمی و جغرافیایی مناطق سردسیر، جایگاه مناسب تری دارند» [صفی نژاد، ۱۳۷۵]. لازم به ذکر است که عشایر یکباره به طور دائمی اسکان نیافتند؛ بلکه ابتدا در قشلاق خانه هایی ساختند و در بیلاق فاقد مسکن غیر منقول بودند. سال ها حالت نیمه کوچ نشینی را حفظ کردند و کم کم به زندگی یکجانشینی روی آوردند. مسکن های این افراد در هر کدام از مراحل کوچ نشینی، نیمه کوچ نشینی، و یکجانشینی شکل خاص خود را داشت که متناسب با کارکردهایی بود که از آن ها انتظار می رفت.



مناطق متفاوت شکل های گوناگونی دارد که این نیز تا حدودی ناشی از شرایط آب و هوای منطقه است که به اندازه‌ی کافی خوب در اختیار این افراد قرار داده است. البته در حال حاضر آلاچیق به ندرت یافت می‌شود و تنها معدودی از ترکمن‌های کوچرو از آن استفاده می‌کنند.

کپر‌ها و حصیرها: که از شاخ و برگ، و از نی و الیاف و مواردی مشابه تهیه می‌شوند. امروزه این مسکن‌ها کم‌تر مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در روستاهای نیمه کوچ نشین نیز تلفیقی از این مسکن‌های ساده و قابل حمل، با ساختمان‌ها، ملاحظه می‌شود که بیش‌تر به منظور انبار علوفه، طویله در فصل سرما و یک قسمت کوچک برای اسکان افراد در نظر گرفته می‌شوند.



شکل ۵. طرح ساده‌ی یک اوبه ترکمنی

### نتیجه‌گیری

انسان همواره در معرض تأثیرات اقلیم قرار دارد؛ عاملی که اثرات آن همه‌ی موجودات را شامل می‌شود. در خشکی یا دریا، در دشت‌ها یا کوه‌ها، در جوامع بدوی یا متمدن، انسان بسته به موقعیت خود، باید با اقلیم روبه‌رو شود. در مقیاس وسیع، اقلیم تعیین‌کننده‌ی محل زندگی انسان، نوع گیاهان زراعی، نوع مسکن، نوع لباس و نوع آفات و بیماری‌هایی است که باید با آن‌ها مبارزه کند. [دهقانیان و...، ۱۳۷۴].

لازم به ذکر است که انسان در مقابل تأثیر آب و هوا کاملاً منفعل نیست و «اگر چه تفاوت‌های طبیعی - اقلیمی، مسکن‌های متفاوتی را به وجود آورده‌اند، اما مهم آن است که حتی در شرایط طبیعی یکسان نیز، فرهنگ‌های متفاوت یکسان عمل نکرده‌اند. درست است که مسکن واقع در دره‌های کوهستانی یا اقلیم سرد و بارانی، متفاوت از مسکن دشت‌ها و جلگه‌هاست، اما همه‌ی خانه‌های کوهستانی یا دشتی، با هم یکسان نیستند. در کوهستان یا در دشت، فرهنگ‌های متفاوت، مسکن‌های گوناگونی را به وجود آورده‌اند» [پاپلی یزدی و وثوقی، ۱۳۷۰].

انواع فناوری‌هایی که امروزه انسان به کار می‌برد، حاصل فعالیت او در جهت کم‌رنگ کردن اثر عوامل آب و هوایی در زندگی خویش است. این امر تأثیر زیادی در از بین بردن تنوع‌های مسکن در نواحی گوناگون داشته است و گاهی در مناطق کویری، گرم و مرطوب و سرد، شاهد به کار بردن مصالح یکنواخت و شکل‌های هماهنگ در مسکن‌ها هستیم که در آن‌ها، شرایط نامساعد آب و هوایی، به مدد مصالح با دوام و فناوری جدید، جبران شده است. استفاده از فناوری و مصالح جدید نباید به طور

کامل جایگزین شیوه‌ها و مصالح مسکن‌های سنتی شود، بلکه باید به صورت مکمل و هماهنگ صورت گیرد؛ امری که در صورت استفاده‌ی گسترده از انرژی، باعث آلودگی‌ها و مشکلات زیست محیطی بسیار می‌شود. نادیده گرفتن فرهنگ و معماری سنتی در ساخت خانه‌های روستایی، علاوه بر مشکلات ذکر شده، باعث فقدان احساس تعلق خاطر، بر هم خوردن چشم‌اندازهای متناظر سنتی با آب و هوا، و نیز تغییرات در میکروکلیمای محل، به علت استفاده از انرژی و مشکلات فراوانی می‌شود که ذکر آن‌ها خود تحقیق جداگانه‌ای را طالب است.

### منابع

۱. آلباگونی، آدریانو (۱۳۶۵). معماری بومی. محمد مهریار... انجمن فرهنگی ایتالیا.
۲. (۱۳۷۵). بررسی وضعیت ارتباط اقلیم و مسکن در استان کرمان. سمینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۳. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. شیوه‌های سکونت‌گزینی و گونه‌های مساکن روستایی. ۱۳۷۵.
۴. پاپلی یزدی و وثوقی (۱۳۷۰). مسکن روستایی فرهنگ و توسعه (نمونه استان خراسان). فصل‌نامه‌ی تحقیقات جغرافیایی. تابستان ۱۳۷۰.
۵. جزایری، کمال‌الدین. ساختمان‌های روستایی. دانشگاه شهید چمران.
۶. رفیع‌زاده، ندا (۱۳۷۵). مسکن روستایی و اصول طراحی مناسب آن. سمینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۷. زاهدی، مجید (۱۳۶۹). کاربرد هواشناسی. فصل‌نامه‌ی تحقیقات جغرافیایی. زمستان ۱۳۶۹.
۸. زرگر، اکبر (۱۳۷۸). درآمدی بر شناخت معماری روستایی ایران. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۹. سعیدی، عباس (۱۳۸۱). مبانی جغرافیای روستایی. سمت. تهران.
۱۰. صفی‌نژاد، جواد (۱۳۷۵). عشایر اسکان مسکن. سمینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۱. صیدایی، سیداسکندر (۱۳۷۵). مسکن روستایی و مسائل مربوطه با تأکید بر روستاهای منطقه‌ی زاگرس میانی. سمینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۲. غضنفرپور، حسین (۱۳۷۵). استقرار بهینه‌ی روستاها در مناطق خشک (سیرجان). سمینار سازماندهی روستاهای پراکنده.
۱۳. غنی، امیدرضا (۱۳۷۵). مسکن و پارامترهای آن. سمینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۴. فخری، یوسف (۱۳۷۵). تحلیلی بر تغییر الگوی مساکن روستایی شمال ایران (تنکابن). سمینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۵. کلانتری، محمدحسین (۱۳۷۵). بررسی الگوی مسکن در ناحیه‌ی گرم و خشک (حاشیه‌ی کویر مرکزی ایران). سمینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۶. مجتهدی، احمد (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جغرافیای سکونت در ایران. فصل‌نامه‌ی تحقیقات جغرافیایی. پائیز ۱۳۷۰.
۱۷. نظری، عبدالحمید (۱۳۷۷). بررسی گسترش فیزیکی - کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی (نمونه‌ی ناحیه‌ی گرگان و ترکمن صحرا). فصل‌نامه‌ی تحقیقات جغرافیایی.
۱۸. مسیبی، محمد (۱۳۷۵). ملاحظاتی بر اثرات اقلیم‌زیستی در معماری. سمینار سیاست‌های توسعه‌ی مسکن در ایران.
۱۹. مهدوی، مسعود (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران. سمت. تهران.